

همسایه من چه کسی است؟

مجموعه داستان‌های کتاب مقدس برای کودکان
«همسایه من چه کسی کیست؟»

نویسنده: مزده فاتحی
گرافیک: آندره آستواسادوریان
صفحه‌پردازی: نادر فرد

کلیه حقوق برای سازمان ایلام محفوظ می‌باشد
انتشارات ایلام ۲۰۰۸

Mojdeh Fatehi
Illustration: Andre Astovasadoorian
Page Layout: Nader Fard

Published by
ELAM PUBLICATIONS
P. O. BOX 75
GODALMING GU8 6YP
ENGLAND

www.elam.com/shop
www.kalameh.com

Copyright © 2008, Elam Ministries
All Rights Reserved

ISBN: 978-1-904992-15-8



وقتی عیسای مسیح بر
روی زمین زندگی می کرد،
افرادی با نیت های بد
می خواستند او را امتحان
کرده، ثابت کنند که او
پسر خدا نیست.

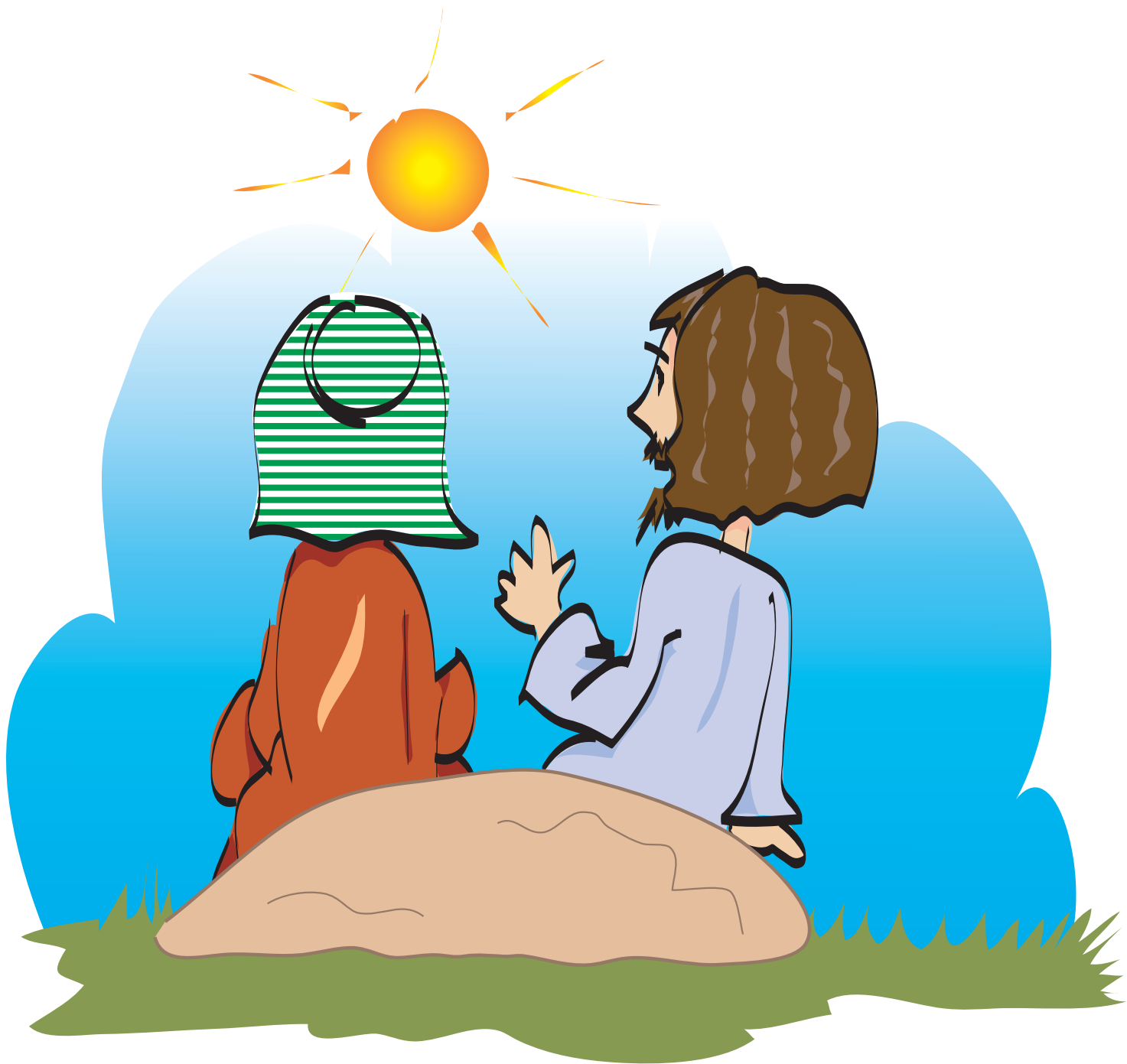
روزی یکی از این افراد
پیش عیسی آمد و از او
پرسید: "ای عیسای مسیح،
من چگونه می توانم زندگی
ابدی داشته باشم؟"

عیسی به او گفت: "در کتاب مقدس چه نوشته شده؟ آیا دستورات خدا را می‌دانی؟"

آن مرد جواب داد: "بله، می‌دانم. در کتاب مقدس نوشته شده که خدای خودت را با تمام دل و جان و قوّت و فکرت دوست داشته باش و همینطور همسایه‌ات را همانقدر که خودت را دوست داری، دوست داشته باش!"

عیسی گفت: "آفرین، درست جواب دادی؛ برو و همینطور رفتار کن و مطمئن باش که زندگی ابدی را به دست خواهی آورد."

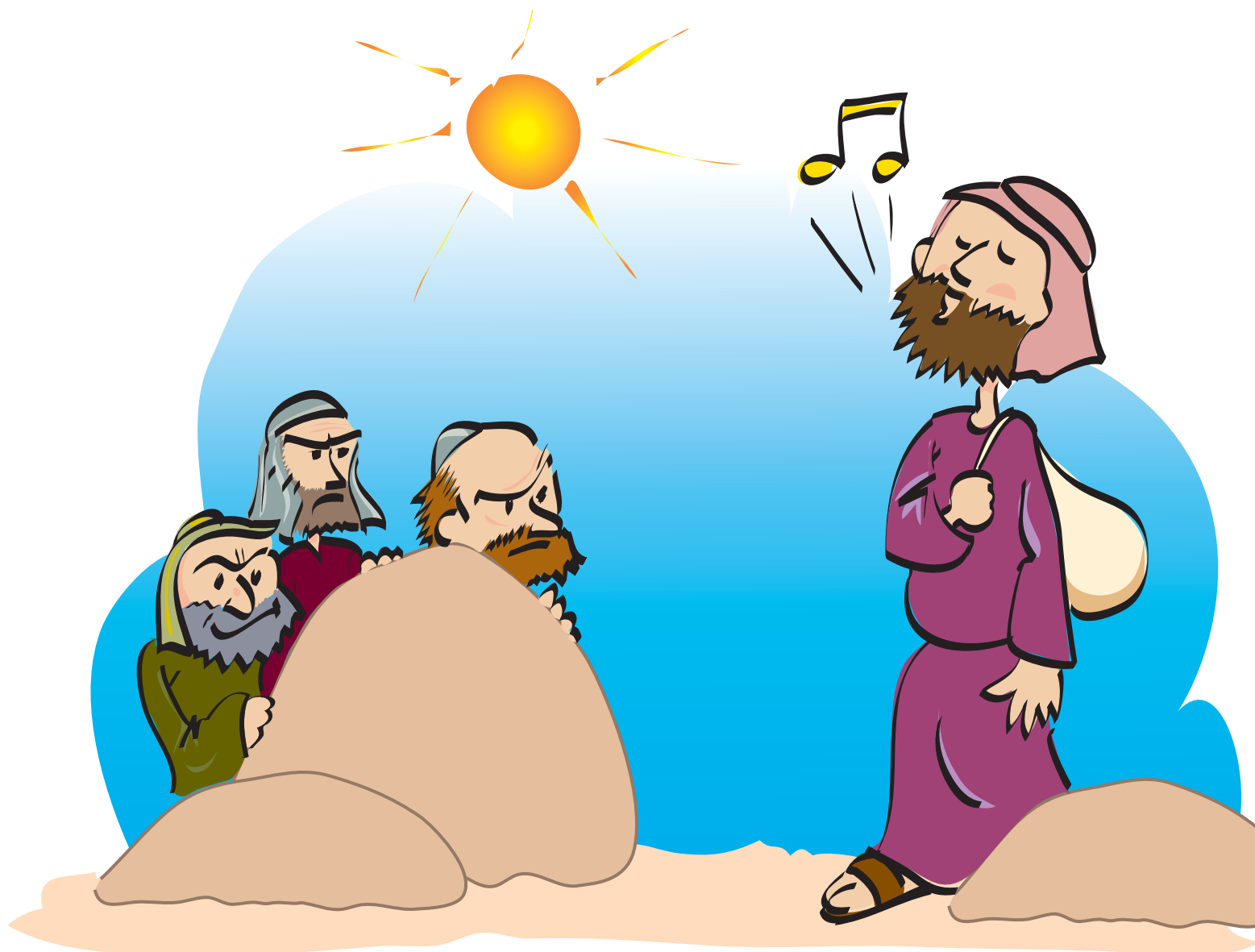


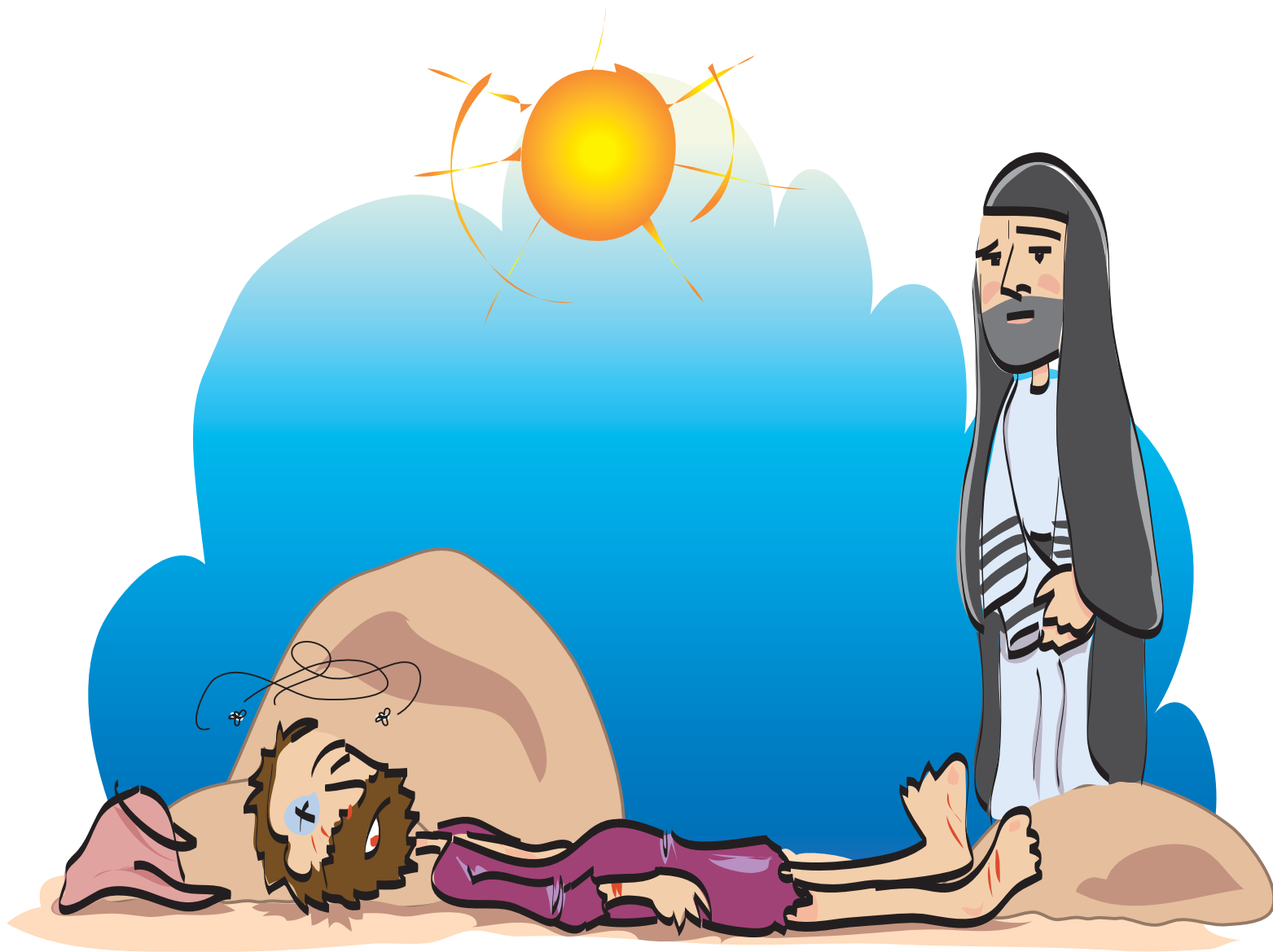


اما آن مرد باز از عیسی پرسید: "همسایه من چه کسی است تا بتوانم همانقدر که خودم را دوست دارم، او را نیز دوست داشته باشم؟"

عیسی برای اینکه به این مرد کمک کند، داستانی
برایش تعریف کرد:

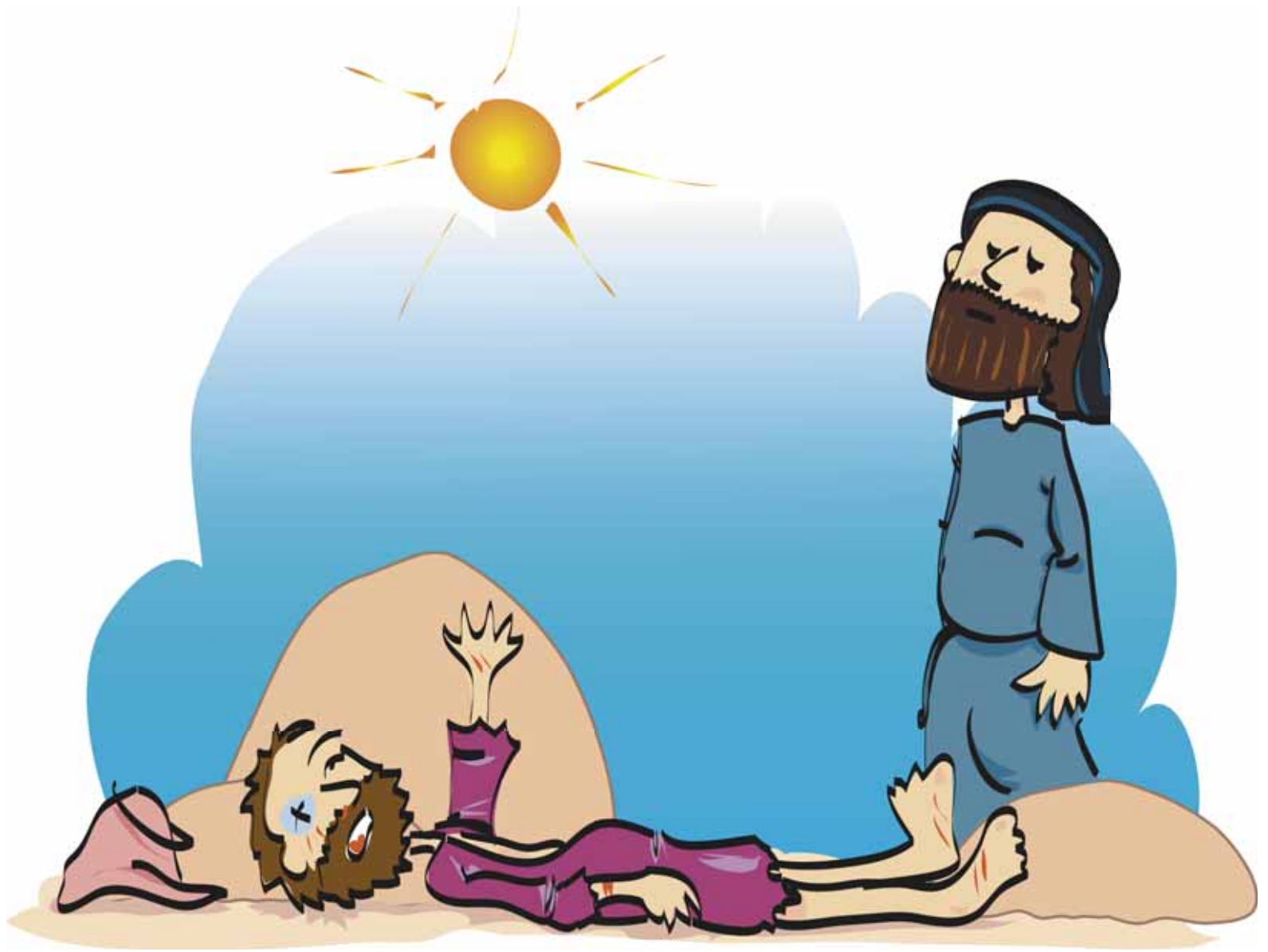
"یکی بود یکی نبود. روزی یک نفر یهودی پای پیاده از اورشلیم به شهر اریحا می‌رفت. بین راه، چند دزد به او حمله کردند و پس از اینکه کتک مفصلی به او زدند، پول و لباس‌هایش را دزدیدند و او را لخت و زخمی کنار جاده رها کردند.





"اتفاقاً کاهنی یهودی از آن راه می‌گذشت.
وقتی آن مرد زخمی را دید که بیهوش کنار جاده
افتاده، به جای اینکه به کمکش برود، راهش
را کج کرد و از طرف دیگر جاده رفت.

"بعد از مدتی یک نفر دیگر نیز از آن راه
گذشت. او یکی از خادمان خانه خدا بود. اما او
هم وقتی به بدن نیمه جان و زخمی یهودی رسید،
به جای کمک راه خودش را ادامه داد و رفت.



"هوا داشت تاریک می‌شد که مردی سامری سوار بر الاغ به آنجا رسید. یهودی‌ها و سامری‌ها با هم اختلافات زیادی داشتند و دشمن هم بودند. با وجود این، مرد سامری با دیدن بدن زخمی و خونین یهودی، خیلی دلش برای او سوخت. پس از الاغش پایین آمد و کنار او نشست و زخم‌هایش را شست. بعد بر آنها دوا مالید و آنها را بست. آن وقت او را بر الاغش سوار کرد و به مسافرخانه کوچکی که در آن نزدیکی بود برد تا از او مراقبت کند.



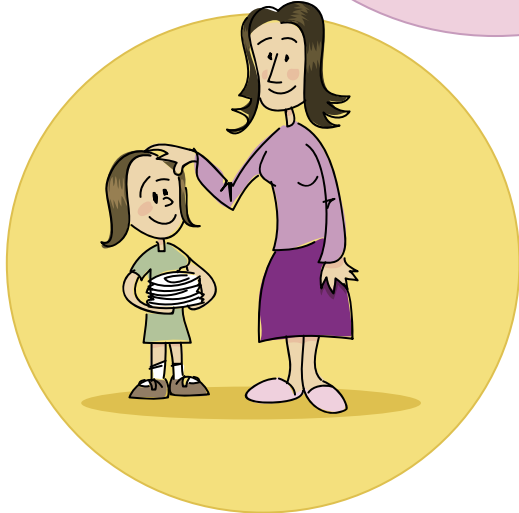
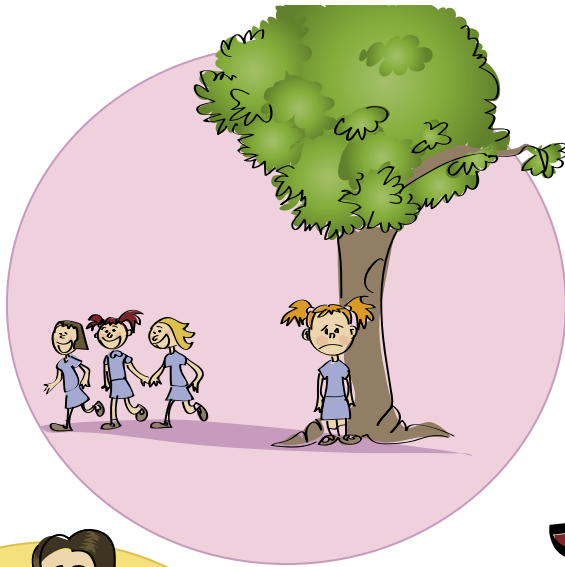


"صبح روز بعد، وقتی مطمئن شد که دیگر حال آن
یهودی رو به بهبود است، به صاحب مسافرخانه مقداری
پول داد و گفت:

"من کار دارم و باید بروم، اما زود برمی‌گردم. خواهش
می‌کنم در مدتی که من نیستم، از مریض من مراقبت
کن. بیا! این پولها را بگیر و به او غذای خوب و مقوی
بده و تنهایش نگذار. اگر بیشتر از این خرج کردی،
وقتی برگشتم بقیه پول را پرداخت خواهم کرد."

وقتی داستان به اینجا رسید، عیسی برگشت و
از مردی که با او صحبت می‌کرد، پرسید:
"به نظر تو کدامیک از این سه نفر همسایهٔ آن
یهودیِ زخمی و محتاج بود؟"
جواب داد: "آن سامری که به او محبت کرد."
عیسی گفت: "آفرین، درست گفتی. برو و تو
هم مثل آن سامری رفتار کن."





راستی بچه‌های عزیز، امروز همسایه شما کیه؟ چه کسی در اطراف شما احتیاج به محبت و کمک داره؟

بیا یاد از خدا بخوایم چشمان ما را باز کنه تا بتونیم نه تنها همسایه خودمون را بشناسیم، بلکه به احتیاجات واقعی او برسیم. بیا یاد از خدا بخوایم به ما قدرت بده تا بتونیم به دیگران محبت کنیم و همونقدر که خودمون را دوست داریم، اونها را نیز دوست داشته باشیم. بیا یاد از خدا بخوایم به ما قدرت بده تا کسانی را هم که قبلاً به ما بدی کرده‌اند، دوست داشته باشیم و بتونیم با تمام وجود بهشون محبت کنیم.

• بیا یاد وقتی در مدرسه کسی را تنها و بدون دوست می‌بینیم، بدونیم که او همسایه ماست و بریم و با محبت با او دوست بشیم و بازی کنیم.

• بیا یاد وقتی سر کلاس پهلو دستی مون احتیاج به کمک داره، بدونیم که او همسایه ماست و با رویی خوش به او کمک کنیم **حتی اگر قبلاً با ما بد رفتاری کرده باشه.**

• بیا یاد وقتی کسی به خانه ما می‌آید، بدونیم او همسایه ماست؛ با خوشحالی با او بازی کنیم و اجازه بدیم که با اسباب‌بازیهامون بازی کند.

• وقتی در خونه، خواهر یا برادر یا پدر یا مادرمون از چیزی ناراحته، در آن وقت بدونیم که او همسایه ماست؛ سعی کنیم تا هر طور که می‌تونیم به او کمک کنیم و باعث خوشی‌اش بشیم. ...

آیا شما هم می‌تونید همسایه‌های دیگری را نام ببرید؟

یک دعای کوتاه:

خدایا! چشمهای منو باز کن تا بتونم در
دنیای اطرافم همسایه‌های خودم را بشناسم
و به اونها محبت کنم حتی اگر قبلاً با من
بدرفتاری کرده باشن. آمین.

